

عوامل فرهنگی ظهور تمدن‌ها از منظر قرآن و نهج البلاغه

محمد یاسین بصیرت*

چکیده

عوامل ظهور تمدن در قرآن و نهج البلاغه، ریشه در فرهنگ و حیانی دارد و با توجه به خطاناپذیری آن و همسویی با عقل سلیم، تمدن‌های حاصل شده از آنها حقیقی هستند، تا مادام که پابندی به علل آن وجود داشته باشد سقوط نکرده و نمی‌کند؛ بلکه برای آن ابدیت ماوراء هستی تصویر شده و از آن به «حیات طیبه» یاد کرده است. این مقاله در جهت تبیین پدید آمدن حیات طیبه که تعبیر دیگر از تمدن است، به عوامل فرهنگی تمدن‌ها در قرآن و نهج البلاغه پرداخته است. این عوامل شامل بخش مهم از باورها (ایمان و تقوای اجتماعی، جهاد مقدس و امر به معروف و نهی از منکر) و ارزش‌ها (وحدت و انسجام فرهنگی - اجتماعی، عدالت اجتماعی و آزادی خواهی) است. پیش از طرح مباحث اصلی به طور کلی رویکردهای نظری موضوع اشاره شده و رویکرد پرداختن به مطالب، فرهنگی - تکاملی و روش تحقیق کیفی - اسنادی و توصیفی - تحلیلی است.

* دانش‌پژوه دکترای قرآن و علوم اجتماعی / جامعه المصطفی العالمیه / مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی. m.iasinbasirat@gmail.com

واژگان کلیدی: قرآن، نهج البلاغه، فرهنگ، تمدن، باورها و ارزش‌ها.

مقدمه

در میان موجودات جهان هستی، جانداران هستند که کم و بیش زندگی اجتماعی دارند، اما تغییر در چگونگی زندگی اجتماعی‌شان به وجود نمی‌آید و زندگی اجتماعی آنها ثابت است مثل زنبور عسل و مورچه و... در میان موجودات، انسان‌ها تنها موجود اجتماعی است که زندگی متحول دارد، زندگی انسان‌ها در ادوار تاریخی تغییر و تحول زیاد داشته است، شکل‌گیری تکاملی هر دوره تاریخی از زندگی اجتماعی و به تعبیر دیگر ظهور تمدن در میان انسان‌ها، ویژگی است که انسان‌ها را موجود ممتاز ساخته است که می‌توانند تحول آفرین باشند سؤال در این جا طرح می‌شود که انسان‌ها به ظاهر همه از یک ویژگی تحول آفرینی تکاملی برخوردارند چرا پدیده تمدن برای همه انسان‌ها حاصل نشده است؟ علل فرهنگی ظهور تمدن‌ها چه بوده‌اند؟ تبیین عوامل ظهور فرهنگی تمدن‌ها از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، پاسخ به این سؤال‌ها است با این بیان که قرآن کریم کامل‌ترین کتاب برای تبیین عوامل فرهنگی تمدن است. و نهج البلاغه بیان انسان کامل از تمدن در جامعه است. مباحث این مقاله شامل بیان مبانی نظری تحقیق، تبیین رویکرد فرهنگی به عوامل تمدن با شاخص‌های باورها و ارزش‌ها و در آخر نتیجه‌گیری شده است.

مبانی نظری

در عوامل پدیدارشدن تمدن‌ها، دیدگاه‌های متفاوت وجود دارد. از میان این نظریه‌ها به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. نظریه تکاملی: بر اساس این نظریه جامعه، همواره به سوی تکامل پیش می‌رود و جامعه انسانی به کمال و سعادت خویش نزدیک می‌شود.

۲. نظریه توازی: در این نظریه، جامعه از بخش‌های به هم وابسته تشکیل شده، تکامل (تمدن) در جامعه باهماهنگی همه بخش‌ها پدید می‌آید.

۳. نظریه تعارضی: در این نظریه، جامعه متشکل از گروه‌های گوناگون است که پیوسته در تعارض بایکدیگر هستند. تمدن جامعه در رقابت این گروه‌ها به وجود می‌آید؛ از آنجا که این گروه‌ها همواره می‌خواهند وضع موجود را تغییر دهند، تمدن جامعه در یک حالت بی‌سازمانی قرار دارد.

۴. نظریه دورانی (چرخه‌ای): در این نظریه، تمدن در هر جامعه که ظهور می‌کند حالت دورانی دارد، مراحل تکامل تصاعدی نیست؛ بلکه در یک چرخه‌ای دور زنده نمایان می‌شوند (کوئن، بروس، ۱۳۸۳: ۳۳۰)

مبانی این تحقیق، با توجه به آیات قرآن کریم و نهج البلاغه، مبتنی بر نظریه تکاملی است؛ اما این تکامل بر اساس فطرت انسان‌ها و عامل ظهور تمدن را سیر تکامل زندگی اجتماعی بر اساس فطرت انسان‌ها می‌داند، تمدن شکل گرفته از تکامل فطری از حقیقت برخوردار است که با نظریه تکاملی که جامعه‌شناسان طرح می‌کنند متفاوت است. تکامل که جامعه‌شناسان طرح کرده‌اند بر محور قوم‌پرستانه است (کوئن، بروس، ۱۳۸۳: ۳۳۰)، فاقد هرگونه پایه و ریشه فطری انسان است و با آفرینش انسان سازگاری ندارد؛ اما تکامل بر اساس فطرت به همه ابعاد وجودی انسان توجه دارد و کمال حقیقی در آن به ظهور می‌رسد.

شهید مطهری در کتاب جامعه و تاریخ می‌گوید: «اسلام معتقد است که جامعه‌ها و تمدن‌ها به سوی یگانه شدن، متحدالشکل شدن و در نهایت امر در یکدیگر ادغام شدن سیر می‌کنند و آینده جوامع انسانی، جامعه جهانی واحد تکامل یافته است که در آن همه ارزش‌هایی امکانی انسانیت، به فعلیت می‌رسد و انسان به کمال حقیقی و

سعادت واقعی خود و بالاخره به انسانیت اصیل خود خواهد رسید. « (مرتضی مطهری، ۱۳۸۴: ۳۵۹).

علامه طباطبائی می گوید: نوع انسان به حکم فطری که در او، ودیعه نهاده شده است طالب کمال و سعادت حقیقت خود یعنی استیلا بر عالی ترین مراتب زندگی مادی و معنوی به صورت اجتماعی است و روزی به آن خواهد رسید (طباطبائی، ج ۴، ۱۳۸۸: ۲۰۸).

عوامل تمدن‌ها، با رویکرد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قابل بررسی است. رویکرد ما، عوامل فرهنگی تمدن‌ها از منظر قرآن و نهج البلاغه است. فرهنگ زیربنای تمدن است به گفته شهید مطهری: جامعه خودش یک روح دارد روحش همان فرهنگش است و هر ملتی مادامی که فرهنگش باقی باشد باقی است و اگر فرهنگش از بین برود او دیگر از بین رفته است. و این است که می گویند: برای این که ملتی را از بین ببرند اول فرهنگش را از او می گیرند فرهنگش را که از او بگیرند روحش را از او گرفته اند وقتی روحش را از او بگیرند دیگر مرده است یک لاشه بیش تر نیست و دیگر نمی تواند باقی بماند. به هر حال فرهنگ یعنی روح جامعه (مطهری، ۱۳۶۹: ۴۵) بدون تردید، تمدن بدون فرهنگ پدید نخواهد آمد. مبنای تمدن فرهنگ است. این فرهنگ است که جامعه را رو به پیشرفت می برد. فرهنگ و تمدن در داد و ستد با یکدیگر پیش می روند و فرهنگ نقش اساسی در تمدن‌ها دارد؛ به همین لحاظ عوامل فرهنگی تمدن‌ها در قرآن و نهج البلاغه انتخاب شده است. برای روشن مباحث واژه‌های فرهنگ و تمدن و ارتباط آنها توضیح داده می-شوند.

مفهوم فرهنگ و تمدن

مفهوم فرهنگ: «مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای خاص هر جامعه را در برمی‌گیرد که حفظ و باورمندی به آن نقش حیاتی و تعیین‌کننده‌ای در تداوم یک جامعه ایفا می‌کند» (جهانگیر معینی، ۱۳۷۴: ۱۱۲). مفهوم تمدن: «تمدن تخلق به اخلاق شهر، شهرنشین بودن و در مرحله کامل تربیت اجتماعی قرار داشتن» (علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۱۳۴۳، ۱۵: ۹۴۲).

رابطه فرهنگ و تمدن

برخی تمدن و فرهنگ را مترادف یکدیگر بکار می‌برند (گولد جولیس، ۱۳۸۴: ۲۶۷) برخی دیگر تمدن را وسیعتر از فرهنگ می‌دانند (آلن بیرو، ۱۳۸۰: ۴۷) استاد مطهری به فرق بین تمدن و فرهنگ توجه دارد. وی اختراع‌ها را مربوط به تمدن و معنویات را برخاسته از فرهنگ می‌داند. اما بر این باور است که بشر بدون اخلاق و معنویت هرگز در کارهای دیگر خود موفق نخواهد بود. یک بشر منحط از نظر اخلاق هرگز در قسمت‌های دیگر هم نمی‌تواند موفق باشد. این است که جنبه‌های معنوی تمدن انسانی نیز بدون شک مؤثر بوده‌اند و فوق‌العاده هم مؤثر بوده‌اند نمی‌تواند اینها مؤثر نباشد (مرتضی مطهری، ۱۳۶۹: ۳۲). به نظر می‌رسد تفاوت میان فرهنگ و تمدن وجود دارد فرهنگ خاص شامل معنوی و تمدن عام شامل موارد معنوی و مادی است بخشاز فرهنگ، شامل باورها و ارزش‌ها که نقش تعیین‌کننده در تمدن جامعه دارند از منظر قرآن و نهج البلاغه مورد نظر در این مقاله است.

عوامل فرهنگی تمدن‌ها

عوامل فرهنگی تمدن‌ها، ویژه‌گی‌های خاص دارند. این عوامل فرهنگی؛ در واقع تعقیب فرایندی دگرگونی در حوزه‌های ادراکی است که گرایش مطلوب، به دنبال داشته باشد. مؤلفه‌های فرهنگ شامل باورها، ارزش‌ها تمدن سازند؛ بر این اساس که

فرهنگ را عبارت از مجموعه‌ای که از اجزای آن، باورها، ارزش‌ها است و نیز تمدن را تغییر جامعه در راستای یک تصویر آرمانی بدانیم، باورها، ارزش‌های فرهنگی به عنوان اهرم قدرتمندی اند که می‌توانند با بر نامه نظام مند، رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌های جامعه را تنظیم کنند؛ بنا بر آنچه، در تحلیل جامعه‌شناسی آمده است: « اعتقادات مذهبی در اعمال فشار برای ایجاد دگرگونی اجتماعی نقشی بر انگیزنده ایفا می‌کنند» (آنتونی گیدنز، ۱۳۸۵: ۶۹۶). باورها، ارزش‌های فرهنگی، می‌توانند تحریک کننده انگیزه برای ایجاد کنش شوند، و این امر می‌تواند به تمدن بینجامد. این پتانسیل‌های دینی برای ارائه یک منظومه فرهنگی در تمدن جامعه، در باورها، ارزش‌ها وجود دارد؛ چرا، که باورها، ارزش‌های فرهنگی در قرآن و نهج البلاغه، در راستای رسیدن به جامعه سالم است. فطری بودن آموزه‌های فرهنگ اسلامی مؤثر در این زمینه است. قرآن کریم فطری بودن آموزه‌های اسلامی چنین بیان می‌کند: « پس روی (دل) خود را متوجه آیین پاک پروردگار کن، این فطرتی است که خداوند انسان را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش خدا نیست، این است دین و آیین محمد و استوار». (روم، ۳۰)

مؤلفه‌های فرهنگ در قالب باورها و ارزش‌ها، با قدرت معنوی به جریان می‌افتد و در افراد، ایجاد انگیزه می‌نمایند که پیشرفت نمایند و در نتیجه از عوامل سازنده تمدن می‌باشند. عوامل فرهنگی، ریشه در عمق فطرت انسان‌ها دارند، با تکامل اجتماعی درک بشریت از آنها بیشتر می‌شود و به مقتضای رفع نیازهای اجتماعی انسان‌ها «باورها»، «ارزش‌ها» در فرهنگ اسلامی تمدن سازند تا بشریت بتواند به حیات و سیر تکاملی ادامه دهد.

باورهای فرهنگی

مفهوم باورهای فرهنگی: «باورهای فرهنگی ایده‌هایی هستند که گروه‌ها از آنها الهام می‌گیرند و از طریق آنها هدایت می‌شوند. این همان چیزی است که با نام بعد «انگاره‌ساختی» از آن یاد می‌شود. هر فرهنگی دارای یک بعد انگاره‌ساختی قابل شناخت است. توسعه‌ای که از نظر فرهنگی مناسب است باید نشان از دنیای انگاره‌ساختی محلی داشته باشد» (سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد (یونسکو)، ۱۳۷۹: ۲۸۸). باورهای فرهنگ اسلامی، یکی از عوامل سازنده تمدن، شامل شاخص‌های ذیل است:

۱. **ایمان و تقوی اجتماعی** به معنای باور به آموزه‌های دینی و التزام به آن، اساسی‌ترین باور فرهنگی است. تمدن‌های جوامع با عملکرد به باورهای فرهنگی، ظهور کرده‌اند. ایمان و تقوی، از باورهای فرهنگی تمدن ساز است؛ چنانکه پیامبر اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، با اعلام «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا»، (مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار جلد ۱۸، ۱۴۰۳ ه. ق. : ۲۰۲). آغاز فرا خواندن مردم، به فرهنگ اسلامی را با دعوت کردن آنها به ایمان به وحدانیت خداوند بوده است تا جامعه اسلامی رستگار شوند؛ یعنی، جامعه تمدن پیدا کند. جامعه‌ای با ایمان، جامعه‌ای است که زمینه تمدن‌سازی دارد؛ چون، ایمان پایه عزت و افتخار و موجب سربلندی جامعه است. خداوند در آیه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء، ۵۹) اطاعت از خداوند و رسول (ص) و صاحبان امر (ائمه معصومین ع) همراه ایمان به خدا و روز قیامت رستاخیز، از جمله عوامل ظهور تمدن است که از آن به خیر (بہتر و عاقبت نیکو) تعبیر شده است. خداوند در قرآن کریم، در این باره می‌فرماید: «ولا تهنوا و

لاتحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین» (آل عمران، ۱۳۸)؛ ایمان داشته باشید، سربلند خواهید بود و نباید به خود سستی و اندوه راه دهید. قرآن در همین زمینه می‌فرماید: بهترین امت خواهید بود اگر ایمان به خدا داشته باشید (آل عمران، ۱۱۰)؛ یعنی، ایمان به خدا، انسان‌ها را به سوی پیشرفت هدایت می‌کند. ایمان سبب کسب فضایل انسانی و اخلاقی و پاسخ به نیازهای انسان‌ها در داشتن زندگی سعادت‌مند در دنیا و آخرت است؛ در نتیجه موجب پیشرفت جامعه می‌شود. در قرآن کریم، زمینه‌ای تمدن‌سازی با تقوی اجتماعی چنین بیان شده است: با تقوی گشوده شدن بر کات آسمان و زمین در جامعه است (اعراف، ۹۶) علامه طباطبایی در این مورد می‌نویسد: برکات به معنای هر چیزی کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی و..... «جمله «ولوان اهل القری آمنوا...» دلالت دارد بر این که، گشوده شدن ابواب برکت بر جمعیت مسبب از ایمان و تقوای جمعیت‌هاست، نه ایمان یک نفر و دو نفر از آنها» (محمدحسین طباطبایی، ترجمه المیزان ج ۸، ۱۳۸۸: ۲۵۴) تقوی به عنوان راه بیرون رفت از هر مشکل اجتماعی است و با تقوی، شناخت حق از باطل است (طلاق، ۲ و انفال، ۲۹) با تقوی جامعه نورانیت پیدا می‌کند (حدید، ۲۸) جامعه با تقوی از هدایت الهی بر خوردار می‌شود (بقره، ۲) امام علی علیه السلام می‌فرماید: «همانا تقوی، داروی بیماریهای دلها، روشنایی قلبها..... و امنیت در ناآرامی‌ها و روشن‌کننده تاریکی‌های شما است. پس تقوی پیشه کنید که با پند دادن شما را سود فراوان بخشیده و با رسالت پیامبرش شما را نیکو اندرز داده و با نعمت‌هایش بر شما منت گذاشته است خود را برای پرستش خدا فروتن دارید و با انجام وظائف الهی حق فرمانبر داری را به جا آورید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸) امام علی علیه السلام در خطبه‌ای دیگر می‌فرماید: «ای بندگان خدا بدانید تقوا، دژ محکم و شکست‌ناپذیر

است. با پرهیزکاری می‌توان ریشه‌های گناهان را برید و با یقین، می‌توان به برترین جایگاه معنوی رسید همانا خداوند راه حق را برای شما آشکار کرده و جاده‌های آن را روشن نگهداشته است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷) در فرهنگ اسلامی جامعه‌ای با ایمان، مطابق با این آیه: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» جامعه‌ای با حیات طیبه (نحل، ۹۷) است، برخی مفسران گفته‌اند: «دایره حیات طیبه بسیار وسیع است و مراد از آن زندگی است که از هر نظر، از آلودگی‌ها، ظلم‌ها، خیانت‌ها، ذلت‌ها و انواع نگرانی‌ها و هر چیزی که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد، پاکیزه باشد. با توجه به ادامه آن، از جزای الهی به نحو احسن سخن به میان آمده است، استفاده می‌شود که «حیات طیبه» به دنیا مربوط است و جزای احسن به آخرت مربوط می‌شود (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ۱۳۶۸ ه. ش: ۳۹۴).

در این آیات تقوای و پرهیزکاری و خویش‌داری از چیزهای که منافی فطرت است، و عمل کردن به آنچه وظیفه است از خود و جامعه، یکی از عوامل تمدن‌ها می‌باشد، زیرا که با ایمان و تقواست که برکات آسمان و زمین گشوده شده و اهل ایمان و تقوا به تمدن میرسند.

۲. جهاد مقدس

مفهوم جهاد: «از لحاظ شرع و فقه اسلامی عبارت است از: ایثار جان و مال در راه اعتلای پایگاه اسلام و پایداری در راه اقامه شعائر دینی با تحمل مشکلات در برابر طوفان حوادث.» (حسین نوری، ۱۳۶۶: ۱۵)

جهاد یکی از باورهای فرهنگی است. «جهاد» در حداقل هفده سوره قرآن کریم از جمله بقره، آل عمران، نساء، مائده، انفال، توبه، نحل، حج، نمل، احزاب، شوری،

محمد، فتح، حدید، حشر، ممتحنه، صف و قریب ۴۰۰ آیه در رابطه با جهاد نازل شده است. به عنوان نمونه آیات ذکر می شود: «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (توبه، ۲۰) «انفروا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (توبه، ۴۱) «والَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَاوَا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَعْزَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (انفال، ۷۴) در این آیات نقش جهاد در تمدن سازی بیان شده و از آن به عبارت های «فوز و رستگاری» و «همراه بودن جهاد باخیر» و «ملازم بودن جهاد بارزق کریم» تعبیر شده است. جهاد در نهج البلاغه: «این بررسی نشان می دهد که ۳۲ مورد در نهج البلاغه نام جهاد و مشتقات این واژه برده شده.» (حسین نوری، ۱۳۶۶: ۹۶)؛ از آنجا که پرداختن به همه موارد جهاد در نهج البلاغه جای پژوهش مستقل دارد، در این تحقیق خطبه و کلمات از نهج البلاغه گزینش نموده و متناسب با موضوع، توضیح می دهیم.

امام علی علیه السلام در خطبه جهاد می فرماید: «فان الجهادَ بابٌ من ابواب الجنةِ فتَحَهُ اللهُ لخاصَّةِ اوليائه و هو لباسُ التَّقوى و درِعُ اللهِ الحَصِينَةُ، و جُنَّتَهُ الوَثِيقَةُ.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷) جهاد در راه خد دري از درهای بهشت است، که خدا آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است. جهاد لباس تقوا و زره محکم و سپر مطمئن خداوند است. امام علی (ع) در این خطبه «جهاد» را بیان کرده که در بخش اول ابتدا از فضیلت و آثار جهاد و سپس پیامدهای ناگوار در صورت عمل نکردن به این باور فرهنگی در جامعه، سخن گفته است «جهاد» دری از درهای بهشت است، همانا کوشش و تلاش و تحمل سختی ها و به کار بردن توانایی ها در

راه خدا گام نهادن به مسیری است که پایان آن به بهشت منتهی می‌شود، بهشتی که در آن رفاه، آسایش، آزادی و کرامت انسانی و همه نعمت‌های خداوندی را دارد. جهاد از باورهای فرهنگی است. جریان آن در جامعه‌ای به خاطر تقویت انگیزه و نیروی جدی، مقاومت در مقابل هرگونه مشکلات و دشواری‌ها وجود دارد و همه چیز فدای تحقق اراده خدا و رضای او می‌شود، جامعه‌ای توحیدی شکل می‌گیرد که افراد تا سرحد مرز میان مرگ و زندگی جدیت و تلاش دارند و زندگی در چنین جامعه‌ای نعمتی الهی و مرگ شهادت در راه خدا تلقی می‌شود، به همین لحاظ افراد احساس مسئولیت می‌کنند و قانونمندی جامعه با هدف مقدس است و از همین جا است که در ادامه خطبه جهاد به لباس تقوا تعبیر شده است «و هو لباس التقوی» «می‌دانیم لباس، هم مایه زینت و زیبایی انسان است و هم حافظ بدن او از گرما و سرما و آفات دیگری که در صورت عریان بودن بر بدن او وارد می‌شود، جهاد نیز مایه آبرو و عزت و سربلندی ملت‌ها و پیشگیری از انواع آفات است.» (ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۳۷) جهاد لباس تقوای اجتماعی به این معنا است که افراد جامعه با قوه بازدارندگی و سازندگی مسئولیت‌های خود طبق دستورات الهی خوب انجام دهند و از هرگونه انحرافات و گمراهی‌ها با کنترل درونی دوری نمایند، جامعه‌ای با جریان چنین باور فرهنگی، لباس محافظت درونی و بیرونی را دارد، افراد جامعه با انگیزه، شاداب، تلاشگر و مسئولیت‌پذیر است. جهاد لباس تقوا چون مایه زینت و عزت جامعه می‌شود، در مقابل دشمنان از هرگونه خطر تعرض و تجاوز محافظت می‌کند. افراد با همه امکانات در راه خدا بسیج و آماده است.

۳. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر به دلیل اهمیت ویژه از جایگاه خاص در باورهای

فرهنگی برخوردار است آثار اجتماعی بزرگ در جامعه دارد، جاری کردن باورها در رفتارهای اجتماعی افراد نیاز به نهادینه کردن آنها در جامعه دارد به گونه‌ای که افراد آنها را مشاهده نمایند، جریان امر به معروف و نهی از منکر در جامعه موجب می‌شود که باورهادرونی شود و از انحرافات جلوگیری نماید و سلامت تمدن جامعه را تضمین می‌کند. امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه همگانی در قرآن و نهج-البلاغه، مطرح شده است آیات ذیل، نقش این عوامل را در تمدن جامعه نشان می‌دهد: «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند!... (آل عمران، ۱۰۴) «شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر میکنید و به خدا ایمان دارید (آل عمران، ۱۱۰) «آنها را به معروف دستور میدهد، و از منکر باز می‌دارد؛ اشیاء پاکیزه را برای آنها حلال می‌شمرد... (اعراف، ۱۵۷) «مردان و زنان با ایمان، ولی (ویار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را بر پا میدارند و... (توبه، ۷۱) «آمران به معروف، نهی کنندگان از منکر، و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی اند)؛ و بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان (توبه، ۱۱۲) «همان کسانی که در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را بر پا میدارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند (حج، ۴۱). در این آیات از نقش امر به معروف و نهی از منکر در تمدن تعبیر به: «دعوت به خیر»، «بهترین امت بودن»، «برخورداری از روزی حلال و طیب»، «ولایت و محبت داشتن به همدیگر» و «بشارت به مؤمنین و قدرت داشتن» شده است.

یکی از ویژگی‌های جامعه متمدن عملیاتی شدن امر به معروف و نهی از منکر است. این دو ویژگی حتی قبل از نماز و زکات در قرآن کریم آمده است:

«والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولياء بعض يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و يقيمون الصلوه و يؤتون الزكوه و يطيعون الله و رسوله اولئك سير حمهم الله ان الله عزيز حكيم» (توبه، ۷۳) و مردان و زنان با ايمان، دوستان يكديگرند كه به كارهاي پسندیده و امی دارند و از كارهاي ناپسند بازمی‌دارند و نماز را برپا می‌کنند و زكات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند، آنانند كه خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد كه خدا توانا و حكيم است.

امام علی (ع) در خطبه ۱۱۰ نهج البلاغه در رابطه با جریان امر به معروف در جامعه می‌فرماید: «و صنائع المعروف فانها تقی مصارع الهوان.» نیکوکاری از ذلت و خواری نگه می‌دارد. در تفسیر این جمله گفته شده: «با دریافت يك خود عالی فراگیر همه خودهایی كه شایسته اجتماع در يك نفس کلی هستند، همواره به فكر خود و دیگران خواهد بود، یکی از مهمترین دلایل پیوستگی جان‌های آدمیان به همدیگر همین قانون سازنده حیات است.» محمد تقی جعفری، ۱۳۸۶: ۱۲۴)

با امر به معروف و نهی از منکر، نیکوکاری در قانون زندگی اجتماعی نهادینه می‌شود، انسانها احساس یگانگی می‌کنند، جامعه با ارزش نیکوکاری است كه به عزت می‌رسد و از ذلت و خواری رهایی پیدا می‌کند و همبستگی افراد جامعه را محکم می‌سازد به گونه ای كه همه افراد جامعه احساس و مشاهده می‌کنند كه هر احسان و كمك را كه می‌کنند برای خودشان بر می‌گردد. ترك امر به معروف و نهی از منكر در جامعه موجب می‌شود كه ارزشها به شكلی شوند كه انسانهای شرور به حاکمیت برسند و سعی کمی از افراد نیکوکار به جایی نرسد. امام علی علیه اسلام می‌فرماید: «و لا تتركوا الامر بالمعروف و النهی عن المنكر فيؤلى عليكم شراركم ثم تدعون فلا يستجاب لكم.» (نهج البلاغه، وصیت ۴۷) امر به معروف و نهی از منكر

را ترک نکنید که بدهای شما بر شما مسلط می گردند آنگاه هر چه خدا را بخوانید جواب ندهد. «دلیل فراهم آمدن چنین زمینه ای این است که اگر جامعه امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند، این امر باعث بروز منکر و کاستی معروف از طبیعت افراد بد کردار شده و زمینه تسلط و غلبه آنان و زمامداری تبهکاران فراهم می آید.» (میثم ابن علی ابن ابن میثم بحرانی ۱۳۷۵: ۲۰۶) از بیان امام علی (ع) روشن می شود که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه چه جایگاه دارد، حکومت صالحان و اجرای قوانین اسلامی در جامعه در صورتی است که مردم پذیرای آنها باشد و مردم هنگام پذیرش دارند که با امر به معروف و نهی از منکر ارزشهای فرهنگی جامعه شناخته شود تا نظام جامعه بر محور آنها شکل بگیرد.

ارزش های فرهنگی

در تعریف ارزشها گفته شده: «ارزشها آرمانهای انتزاعی هستند.» (آنتونی گیدنز، ۱۳۸۵: ۵۶) ارزشها از طریق کنترل و نظارت در جامعه نقش در تمدن دارد ب این تبیین: «ارزشهای اجتماعی از اساسی ترین عناصر یک نظام اجتماعی هستند که از طریق کنترل و هدایت آنها می توان جامعه را به زوال یا به تعالی کشاند.» (فرامرزی رفیع پور، ۱۳۸۲: ۲۶۷) ارزشهای فرهنگی از عوامل تمدنهاست؛ زیرا تمدنها با آرمانها ارتباط دارند و ارزشها هویت آرمانی را نشان می دهد. در تحلیل اجتماعی از ارزشها گفته شده: «ارزشها سازمان می یابند و به صورت یک «آرمان» در می آیند که جامعه آن را به افراد خود عرضه می کند، این آرمان راهنمای اندیشه ها و اعمال است و به قول دورکیم «جامعه» بدون ایجاد آرمان تشکیل نمی شود.» (هانری مندراس، ۱۳۸۴: ۱۶۳) در جامعه توحیدی پیشرفت متناسب با ارزشها می باشد، ارزشهای فرهنگی در روابط اجتماعی جریان داشته باشد که تمدن را نشان

دهد، ارزش‌های فرهنگی سازنده تمدن‌ها شامل موارد ذیل است:

۱. وحدت و انسجام اجتماعی

وحدت و انسجام اجتماعی، از ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی مؤثر در تمدن‌ها است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، ۱۰۳) «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران، ۱۰۵)

وحدت اجتماعی در این آیات تأکید شده است این وحدت مبتنی بر چنگ زدن به رسمان الهی است. جهت الهی بودن جامعه را ارزش‌های فرهنگی تعیین می‌کنند و از این سبب وحدت اجتماعی در قرآن، از ارزش‌های فرهنگی جامعه است. وحدت و یکپارچگی جامعه سبب پدید آمدن تمدن در جامعه می‌شود، با این توضیح که از امکانات استفاده بهینه انجام گرفته، جامعه حرکت همسوی به سوی هدف واحد را دنبال می‌کند. وحدت و انسجام جامعه، به زبان جامعه‌شناسی، همبستگی پدیده‌ای را می‌رساند که بر پایه‌ای آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته اند.» (آلن بیرو، ۱۳۸۰: ۴۰۰) وحدت اجتماعی پویایی و رمز ماندگاری نظام جامعه است، هنگامی که افراد منسجم باشند و در خواسته‌های خود همبستگی داشته باشند هدف واحدی در جامعه دارند، در چنین جامعه‌ای در اراده‌ها هماهنگی، در رفتارهای جمعی جهت واحد پدید می‌آید. کرامت و عزت در حیات اجتماعی نمودار می‌شود

امام علی (ع) در نهج البلاغه در باره «وحدت اجتماعی» می‌فرماید: «پس آنگاه که در تفاوت حال آنان به هنگامی که در خوبی بودند و زمانی که در شر و بدی قرار داشتند اندیشه نمودید، به سراغ کارهای روید که موجب عزت و اقتدار آنان

شده و دشمنان را از آنان دور نموده و عافیت و سلامتی به آنها روی آورد، نعمت در اختیار شان قرار داد و کرامت و شخصیت به آنان بخشید که از تفرقه و جدایی اجتناب کردند و بر وحدت و همدلی همت گماشتند و یکدیگر را به وحدت و داشته به آن سفارش کردند ... پس اندیشه کنید که چگونه بودند آنگاه که وحدت اجتماعی داشتند، خواسته های آنان یکی، قلب های آنان یکسان و دست های آنان مددکار یکدیگر، شمشیرها یاری کننده، نگاه ها به یکسو دوخته و اراده ها واحد و همسو بود، آیا در آن حال مالک و سر پرست سراسر زمین نبودند؟ و رهبر و پیشوای همه دنیا نشدند؟ پس به پایان کار آنها نیز بنگرید! در آن هنگام که به تفرقه و پراکندگی روی آوردند ... خداوند لباس کرامت را از آنها بیرون آورد و فراوانی نعمت را از آنها گرفت. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)

۲. عدالت اجتماعی

تعریف عدالت

عدالت از ماده عدل، برای عدل چند معنا ذکر شده است: (۱) موزون بودن (۲) عدل به معنای تساوی و نفی هر گونه تبعیض (۳) رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی حق، حق او را. معنای حقیقی عدالت اجتماعی بشری، یعنی عدالتی که در قانون بشری باید رعایت شود و افراد بشر باید آن را محترم بشمارند همین معنا (معنای سوم) است. «(مرتضی مطهری، ۱۳۷۲: ۵۶) عدالت، نشأت گرفته از عدالت الهی است، نظام آفرینش بر مبنای حکمت عدالت است. مسیر حیات جامعه ای بشری نیز یکی از پدیده های جهان خلقت است که تمدن آن بر اساس عدالت است.

نقش عدالت در تمدن ها

آیات قرآن در باره عدالت فراوان است به چند مورد اشاره می شود: «لقد ارسلنا

رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید، ۲۵) مطابق این آیه، هدف انبیاء آن است که ایمان به خدا و معاد را در مردم زنده کنند؛ چنانچه اخلاق و طرز تفکر الهی را در جامعه بوجود آورند که، خود مردم، به عدالت بر خیزند از آیه استفاده می شود که تمدن تنها با عدالت اجتماعی امکان دارد. در آیات دیگر دستور به عدالت می دهد؛ چون تشکیل حکومت که از لازمه تمدن است با عدالت مرتبط است نمونه این آیات: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا..» (نساء، ۵۸) در آیه دیگر می فرماید: " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ » (مائده آیه ۸)

نقش عدالت اجتماعی در تمدنها در نهج البلاغه این گونه تبیین شده است: امام علی علیه السلام در باره ای ارتباط عدالت با تمدن می فرماید: «فان في العدل سعة». (نهج البلاغه، خطبه ۱۵). در عدالت گشایشی برای عموم است. ۱) با عدالت اجتماعی ظرفیت های انسانی پویایی و بالندگی پیدا می کند و زمینه برای تکامل هموار تر می شود. ۲) اجرای قوانین با عدالت اجتماعی در ارتباط است. در جامعه ای که عدالت نباشد قوانین درست اجرا نمی شود و انتظام جامعه دچار مشکل می گردد. «بتضييع الجهاد و سيم الخسف و منع النصف.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷) جامعه ای که عدالت نداشته باشد به خواری محکوم است. «و اعتدلت معالم العدل و جرت على اذلالها السنن، فصلح بذالك الزمان و طمع في بقاء الدولة و يئست مطامع الاعداء.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶) با برقراری عدالت سنن (قوانین) اجرا می گردد،

روزگار اصلاح می شود، مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس می گردد. (۳) قدرت جامعه با عدالت اجتماعی است، زیرا که با عدالت اجتماعی است که همگان پشتیبان یکدیگر اند و شکاف طبقاتی پدید نمی آید و انحرافات اجتماعی کم رنگ می شود و از طریق توزیع عادلانه قدرت بسیاری از نزاع های جامعه رفع می شود. به تعبیر شهید مطهری: «از نظر امام علی (ع) آن اصلی که می تواند تعادل اجتماعی را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد به پیکر اجتماع سلامت و به روح اجتماع آرامش بدهد عدالت است.» (مرتضی مطهری، ۱۳۸۱: ۴۳۷)

انتظام اجتماعی، در جامعه متمدن شکل میگیرد و آن رفتار هماهنگ افراد را می طلبد در جامعه ای این هماهنگی به وجود می آید که عدالت اجتماعی در آن باشد و همه مردم احساس می کنند که حقوق شان ضایع نمی شود و به سرنوشت همدیگر احساس مسئولیت می کنند و از قوانین اطاعت دارند، با این چنین تنظیم رفتار اجتماعی بهترین تمدن در جامعه شکل می گیرد. «العدل یضع الامور مواضعها.» «العدل سائسُ عامٌّ.» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷) عدالت هر چیز را در جای خود می نهد، عدالت تدبیر عمومی مردم است. با عدالت اجتماعی همه امور انتظام جامعه در جای خود قرار می گیرد، منزلت اجتماعی افراد بر اساس شایستگی و تخصص (اکتسابی) می شود، جامعه از حالت بسته (کاست) به جامعه باز می رسد. «همه افراد از حمایت قانون بهره مند، همه افراد دارای آرای مساوی، نسبت به درآمد شریک از خدمات عمومی منتفع، همه افراد مسئول و سهم در سرنوشت جامعه اند.» (هیأت تحریریه بنیاد نهج البلاغه، مسائل جامعه شناسی از دیدگاه امام علی (ع)، ۱۳۷۳: ۱۶۰)

(در جامعه ای که عدالت نباشد ارزشهای مطلوب اجتماعی در بین گروه های جامعه ناعادلانه تقسیم می شود، مراکز مهم سازمانی جامعه انحصاری شده در دست عده

ای خاص قرار می گیرد و اکثریت مردم نقش مؤثری ندارند در چنین جامعه ای احساس نفرت به گروههای انحصارطلب پدید می آید و به انتظام جامعه آسیب جدی وارد می شود.

۳. آزادی خواهی

آزادی خواهی، یکی از ارزشهای فرهنگی تأثیر گزار در تمدن است. آزادی در جهت تمدن سازی، حق طبیعی جامعه است. این حق در فطرت اجتماعی انسانها نهفته است و کسی نمی تواند این حق را از افراد سلب کرده یا به آنها عطا کند؛ زیرا، خداوند بشر را آزاد آفریده است (نهج البلاغه، نامه ۳۱). در تفسیر دیگری که از آزادی شده است: «آزادی، موهبتی الهی است که بر اساس حکمت بالغه ی خداوند، جهت طی کردن مسیر تکاملی انسانها است. و آزادی تکلیف است؛ یعنی کسی حق ندارد آزادی خویش را سلب کند و خود را برده ی دیگران سازد و حراست از آن شرط عبودیت و تزییع آن، موجب از بین رفتن انسانیت، تغییر خلقت، تبدیل سنت و تخلف از مشیت الهی است و همه ی انسانها برای حفظ آزادی و دستیابی به آن مسئولند». (محمد حسین طباطبایی، المیزان ج ۶؛ پیشین ص ۳۵۰، ج ۱۰، ص ۳۷۲. وج ۴؛ ص ۱۱۶)

جایگاه آزادی، در تمدن جامعه را، می توان در سیره پیامبران دریافت، انبیاء الهی در کنار تربیت و تهذیب مردم، سعی می نمودند با به وجود آوردن آزادی بتوانند، زمینه تمدنی جامعه را فراهم سازند و جامعه را از زیر بار دیکتاتوری و استبداد نجات بخشند. (اعراف، ۱۵۷). پیامبران الهی، از نبودن آزادی در جامعه انتقاد (اعراف، ۸۵-۸۸). و در برابر مستبدان ایستادگی می کردند (ابراهیم، ۱۳)؛ چنانچه، حضرت موسی علیه السلام، برای آزادی از دیکتاتوری فرعون و تمدن سازی جامعه

مبارزه کرد و قرآن کریم از آزادی خواهی، موسی علیه السلام به نعمت الهی تعبیر کرده است: موسی به قومش گفت، نعمت خدا را به یاد داشته باشید، که شمارا از چنگال آل فرعون رهائی بخشید (ابراهیم، ۶) در قرآن از جامعه‌ای که موجبات بر دگی خود را فراهم آورد و آزادی را از خودسلب کند و اختیار خود را بدست انسان‌هایی همانند خودبسیار تو بیخ شده است (توبه، ۳۱) مسئولیت اجتماعی افراد جامعه بر اساس آزادی است. خداوند می‌فرماید: ما انسان را هدایت کردیم یا سپاسگذار این نعمت است یا کافر به آن (کهف، ۳۹) و می‌فرماید، خداوند وضعیت هیچ قوم را دگرگون نمی‌کند مگر آنکه خود آنها بخواهد (رعد، ۱۱) آزادی در فرهنگ قرآنی به مفهوم رهایی از شرک و جایگزین کردن توحید، آزادی از ظلم ثروت مندان و اربابان بشر، آزادی از هوای نفسانی و شیطان، آزادی از زورمندان و قدرت مندان و رهایی از خرافه‌ها و سنن جاهلی است (آل عمران، ۶۴)

آزادی خواهی، در جامعه از ارزشهای فرهنگی تمدن سازی است. تمدن در پرتو، آزادی در جامعه ممکن است. از آرمانهای عالی افراد از هر قشر جامعه در جهت تمایل فطری به تمدن، علاقه مندی به آزادی است؛ زیرا در افراد صلاحیت انتخاب، زمینه شکوفایی استعداد و رشد شخصیت پدید می‌آید و آنها برای جامعه خویش تلاش می‌کنند.

آمارتیا کومارتیا سین، در تحلیل توسعه به مثابه آزادی، می‌نویسد: «آزادی سنگ بنای اساسی در توسعه است. با ارزشمندی آزادی، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های اشخاص در اداره و هدایت نوع زندگی گسترش می‌یابد. دو دلیل برای اهمیت آزادی در مفهوم توسعه وجود دارد. یکی؛ ارزش گذاری در آزادی است، موفقیت یک جامعه در این نگرش، عمدتاً به وسیله آزادی‌های اعضای آن جامعه از آن بر خوردارند، ارزیابی می‌شود، از

آن جهت که آزادی نزد افراد مهم تلقی شده است. دیگری؛ کارائی و کارآمدی آزادی است، در این رهیافت آزادی تعیین کننده ی اساسی ابتکارات و کارایی و کارآمدی اجتماعی می‌باشد، آزادی توانایی مردم را در فرایند توسعه افزایش می‌دهد» (آمارتیا کومار سن، ۱۳۸۱: ۲۸).

آزادی جایگاه مهم در تمدن سازی دارد. با آزادی است که استعدادها شکوفا می‌شود و ابتکارات و نوآوری در جامعه افزایش می‌یابد؛ در نتیجه زمینه ی تمدن جامعه فراهم می‌شود. از آثار اجتماعی آزادی در جامعه نجات افراد از تسلیم شدن در مقابل قدرت های خارجی و استبداد داخلی است. دکتر شریعتی درباره ی آزادی خواهی می‌نویسد: آزادی خواهی، بزرگترین عاملی است که انسان را از جمود و از عبودیت در برابریک یک قدرت خارجی و استبداد داخلی نجات می‌دهد» (فیروز راد، ۱۳۸۲: ۱۹۷) با آزادی خواهی در جامعه روحیه توحیدی و استقامت در مقابل استکبار شکل می‌گیرد. با ریشه کنی استبداد داخلی و استکبار خارجی جامعه به سوی تمدن سازی جهت داده می‌شود.

نتیجه گیری

این تحقیق با بررسی «عوامل فرهنگی تمدن‌ها در قرآن و نهج البلاغه»، به این نتیجه رسیده که فرهنگ نقش اساسی در تمدن‌ها دارد. این تحقیق به مهمترین مؤلفه‌های فرهنگ شامل باورها با شاخص‌های ایمان و تقوی اجتماعی، با ایجاد انگیزه و خویشتن-داری، جهاد مقدس با نهایت تلاش تا مرز مرگ و زندگی، امر به معروف و نهی از منکر بانظارت و مسؤولیت اجتماعی و نهادینه کردن فرهنگ در تمدن‌ها، تأثیر گذار می‌باشند؛ ارزش‌ها با شاخص‌های وحدت و انسجام اجتماعی، عدالت اجتماعی و آزادی خواهی، با تشکیل جامعه توحیدی و ایجاد اتحاد برادری و اهداف واحد از عوامل تمدن می‌باشند. فرهنگ مؤلفه‌ها و شاخص‌های فراوان دارد که این مقاله به مهمترین اشاره نموده

و ظرفیت تحقیق بیشتر دارد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. بحرانی، میثم ابن علی ابن ابن میثم، ترجمه و شرح نهج البلاغه، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵، چاپ اول.
۲. بیرو، آلن؛ فرهنگ علوم اجتماعی؛ ترجمه: باقرساروخانی، تهران، کیهان، چاپ چهارم، ۱۳۸۰.
۳. جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، جلد بیستم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶، چاپ هفتم.
۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۵، تهران، دانشکده ادبیات، ۱۳۴۳، چاپ اول.
۵. راد، فیروز؛ جامعه‌شناسی توسعه فرهنگی (کند و کاوها و پنداشت‌های شریعتی)؛ تهران، چاپخش، چاپ اول ناشر ۱۳۸۲.
۶. سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد (یونسکو)؛ راهبردهای عملی توسعه فرهنگی: (مجموعه پنج دفتر درباره توسعه فرهنگی)؛ ترجمه: محمد فاضلی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی، مرکز پژوهش‌های بنیادی: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، چاپ اول ۱۳۷۹.
۷. سن، آمارتیا کومار؛ توسعه به مثابه آزادی؛ ترجمه: احمد موثقی، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، چاپ اول پاییز ۱۳۸۱.
۸. طباطبائی، سید محمد حسین؛ ترجمه المیزان ج ۴، ۶، ۸، ۱۰؛ ترجمه

- محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ بیست و هشتم، تابستان ۱۳۸۸.
۹. فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه، یا سنه الله؛ مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲، چاپ سوم.
۱۰. کوئن، بروس؛ درآمدی به جامعه‌شناسی؛ ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، نشر توتیا، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۳.
۱۱. گولد، جولیس؛ فرهنگ علوم اجتماعی؛ ترجمه گروهی، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۸۴، چاپ دوم.
۱۲. گیدنز، آنتونی؛ جامعه شناسی؛ ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، چاپ هفدهم، ۱۳۸۵.
۱۳. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار جلد ۱۸؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، ج ۱۱، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ هشتم، ۱۳۶۸ ه. ش.
۱۵. -----؛ پیام امیرالمؤمنین (ع) شرحی تازه و جامعی بر نهج البلاغه جلد دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه ۱۳۸۵.
۱۶. معینی، جهانگیر؛ نظریه و فرهنگ؛ تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین المللی، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۱۷. مطهری، مرتضی؛ جامعه و تاریخ (مجموعه آثار ج ۲)؛ تهران، انتشارات صدرا، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۴.
۱۸. -----؛ فلسفه تاریخ ج ۱؛ قم، انتشارات صدرا، چاپ اول اردیبهشت ۱۳۶۹.

۱۹. -----؛ عدل الهی؛ تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲، چاپ هفتم.
۲۰. -----، مجموعه آثار، جلد شانزدهم، (سیری در نهج-
البلاغه)، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۱.
۲۱. نوری، حسین؛ جهاد؛ تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶، چاپ اول.
۲۲. هانری مندراس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران، انتشارات امیر
کبیر، ۱۳۸۴، چاپ ششم.
۲۳. هیأت تحریریه بنیاد نهج البلاغه، مسائل جامعه‌شناسی از دیدگاه امام علی (ع)،
تهران، مدرسه مکاتباتی نهج البلاغه، ۱۳۷۳، چاپ اول.